

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

محمود شاداد

۰۵ مارچ ۲۰۱۴

## افشای جنایتکاران و خاینان دشنام نیست.

اخیراً در فیسبوک با صفحه ای تحت نام «شهید عبدالمجید کلکانی» سر خوردم که با اشتیاق تمام آن را باز کردم. صفحه با عکس جوانی «رفیق مجید» مزین گردیده بود فکر کردم کسی مطلب تازه و بکری در باره این جانباخته انقلابی به دست نشر سپرده است، اما نوشته چندسطر بیشتر نبود که آن هم ناشیانه تایپ گردیده بود با مطالعه آن نوشته و مخصوصاً شعری که در وصف زنده یاد «مجید» درج گردیده بود فکر کردم که شاید اشتباهاً و بدون شناخت شعر یک شورای نظاری یعنی قاتل سامانی ها عم از جانبازان قندوز و کوه صافی و به ده ها فرد دیگر در ولایات تخار، بدخشان، پروان، بلخ و کاپیسا را به دست نشر سپرده اند و خواستم در مورد "سالار عزیز پور" برای شان معلومات دهم.

من نمی خواستم خزعبلات فیسبوکی را در صفحات سایت محبوب "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" بفرستم و می خواستم در همان صفحات فیسبوک به جواب شان پردازم اما باکمال تأسف دیدم که نوشته های خود را از صفحه بیرون کرده اند و جواب های من بدون مخاطب اصلی آن هنوز در روی صفحه فیسبوک بر قرار است لهذا به ناگزیر نوشته را به صورت کامل در سایت پر خواننده "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" فرستادم، امید امکان نشر بیابد:

اولاً نوشته صفحه فیسبوک این دوستان

Shahid Abdul Majid Kalakani

یادی از قافله سالار آزادی مجید قهرمان ،

که با مرگش از دهلیز تاریخ سرفرازانه گذشت و در افق بیکران و درخشان حماسه و افسانه

پا نهاد و در جمع مردانیکه بزرگتر از بزرگند به جاودانه گان {جاودانگان} پیوست ، روحش شاد و یادش گرامی باد.

مرگ و نفرین تاریخ به قاتلین این بانیان اسارت و بردگی

شاعر ارجمند ، سالار عزیز پور در وصف مجید بزرگ شعر زیبای {زیبائی} سروده که خدمت تان قرار می دهم

تهمتن

هیولای تهمتن

صد پدر رستم

ستبر بازوانت

پاسبان. مرز بی مرزی

گلوئی آذرخشی  
در دل شب های یلدایی

سر بدار سر فرازی ها  
«ترا من چشم در راهم»

سنگ به سنگ  
سنگر به سنگر  
در دل کوهپایه های رنج بی رنجی

عشق را  
بر پای دار  
فریادی چنین باید

هیولای تهمتن  
عشق را رستم

من که از نویسنده این "شعر" (به هرچه شباهت دارد غیر از شعر) قبلاً چیزهایی در صفحات شورای نظاری خوانده بودم خواستم این دوستان را متوجه اشتباه شان بسازم تا آن را از صفحه شان دور بسازند برای شان متن مختصر ذیل را فرستادم :

" شما می دانید که این «سالار عزیز پور» کی است یک از مدافعین سینه چاک «احمدشاه مسعود» این قاتل سامائی های جان برکف همان هائی که با شعار شان یا «مرگ یا آزادی» لرزه بر جان دشمنان مردم و شورای نظاری ها افکنده بودند . این سالار عزیز پور تا دو سه صنف در فاکولته فارمسی درس خوانده است . یک زمان اکت نویسنده و ادبیات شناس را می کرد و کتابچه چند ورقه به نام «پژوهشی در گستره زبان و...» را نوشت که داکتر «صبورالله سیاه سنگ» تنها اغلاط آن را که اضافه تر از دو سه صد مورد بود بر شمرد که بیچاره «سالار عزیز پور» با وجود وعده در طول چندین سال نتوانست به جواب «سیاه سنگ» بپردازد . سالار در جرمنی شهر مونیخ سکونت داشت که بعداً از طرف دوستان شورای نظاری خود یعنی برادران «مسعود و قسیم فهیم» و دوستان دیگر در کابل بانک با معاش کافی مقرر گردید تا از خون مردم افغانستان با شعار زنده باد دوستان امریکائی ما تغذیه کند در کابل بانک به نام سخنگوی مسوول دفتر فرهنگی و مطبوعاتی از سال ۲۰۰۸ تا سقوط کابل بانک یا تاراج کابل بانک توسط جهادی های نوع «عزیز پور» مشغول به چپاول بود.

شما که خود را «شهید عبدالمجید کلکانی» نام نهاده اید «سالار عزیز پور» را نمی شناسید، یا هر کی در مورد این کمونیست نامور کشور هر چه گفت بدون تعمق آن را نشر می کنید ویا مسایل ملیتی سر شما هم تأثیرات خود را به جای گذاشته است . یاد «مجید» این انقلابی قهرمان گرامی باد. مرگ و نفرین بر وطنفروشان جمعیتی و شورای نظاری و گلبدینی این دشمنان قسم خورده «مجید» و رهروان «مجید» .  
به عوض رفع احتمالاً اشتباه خود این جواب بر ایم فرستاده شد .

شهید مجیدکلکانی یک مبارز آزادیخواه و شخصیت ملی گرا بود که در قبال مسایل مبارزاتی مطابق به اوضاع و شرایط وقت که کشور ما درگیر یک جنگ از ادیخواهانه {آزادیخواهانه} بر {بر- اضافی} علیه تزارهای متجاوز روس و نوکران قلاده بر گردن خلق و پرچم بود برخوردار واقع بینانه داشت و از دید های دگماتیستی {دگماتیستی} و تنگ نظرانچه چه راست و چه چپ متفرب بود، و به همین ترتیب در سدد {صدد} ایجاد جبهه {جبهه} متحد ملی باتمام {تمام} نیروهای مردمی که درگیر جنگ آزادیخواهانه بودند گردید. تشکیلات سیاسی ساما و طرح {طرح} برنامه و اساس نامه {اساسنامه} آن ایجاد یک دولت دیموکراتیک واقعی با احترام گذاشتن به عنعنات دیرینه {دیرینه} مردم و متشکل از تمام اقوام و قبایل وطن دوست کشور و فارغ از وابستگی به قدرتهای بیگانه بود. متأسفانه {متأسفانه} یک عده اشخاص و افراد تنگ نظر و تفرقه انداز بویژه {به ویژه} افراد و اشخاص ایکه {اشخاصی که} در زندگی راحت کشور های غرب بود باش مینمایند و غافل از اوضاع و واقعت {واقعت} های عینی جامعه از نام و شخصیت براننده {براننده} مردمی شهید مجیدکلکانی جهت آرمان های شوم استفاده {استفاده} سیاسی مینمایند و این خود خیانت به آرمان ولای {والای} عبدالمجید کلکانی است

با این جواب که در واقع اعلان جنگ شان بود من باز کوشیدم تا آن ها را متوجه بسازم اما کوشش من در گوش های شان فرو نرفت و تأثیری نبخشید .

دوست عزیز من یک شورای نظاری و چپاولگر ثروت های ملی و دزد کابل بانک را معرفی کردم در کجایش برخورد غیر واقع بینانه و دگماتیستی را مشاهده کردید . من هیچ تعلق به ساما ندارم تا از نام «مجید» استفاده کنم . اما «مجید» را بزرگترین جانباخته آزادی و سوسیالیزم می دانم . این جانباخته قهرمان را مد روز شده که شهید خطاب می کنید یا از ترس شورای نظاری ها و یا همان مسایل ملیتی و اسلامی در بین است.

ضمناً سدد درست نیست صدد است طرح برنامه درست نیست طرح برنامه بهتر است اساس نامه یک جا نوشته میشود دیرینه درست نیست دیرینه نوشته شود اشخاص ایکه اشخاصیکه به واقعت درست نیست به واقعیت آرمان ولای درست نیست آرمان والای

به جواب این اراجیف را سر هم بندی کردند و فرستادند تا من علاقمندان مجید و مخصوصاً نوع شورای نظاری آن را توهین و انتقاد نکم .

"محترم آقای شاداب: تشکر از اصلاحات املائی من عادت انتقاد غلطی تایپ نمودن مردم راندارم امالطفاً {لطفاً} نوشته {نوشته} خود را مرور نموده و آنرا اصلاح نماید {نمائید}. دوستداران شخصیت هایی {های} بزرگوار و انقلابی نظر به دید و برداشت اشخاص و افراد فرق میکند که همه قابل تمجید میباشند و افتخارات اش {افتخاراتش} مربوط به همان شخصیت مورد بحث قرار میگردد , پس نباید رهروان و علاقمندان {علاقه مندان- رهنمای نگارش و ویرایش- ص ۲۴} اشخاص ملی و انقلابی همچون مجید شهید را مورد توهین و انتقاد قرار داد. تضادها و عقده های شخصی را نمی توان از مسیر مرزها و با استفاده از صفحه {صفحه} دیگران حل کرد. نوت: لغت «اکت» را در دکشنری حمید {فرهنگ فارسی حمید} دریافت کرد {کرده} نتوانستم تا مفهوم آنرا بدانم"

دوست عزیز به سلامت باشید

من علاقه مندان رفیق مجید را به سه گروه دسته بندی می کنم

۱ - رفقای سامانی رفیق مجید ( حال که در کدام حوزه ها فعالیت دارند یا هنوز به آرمان های خود وفا دار مانده اند یا نه مورد بحث نیست)

۲- دوستان و علاقه مندان توده ئی مجید که مانند روشنفکران دمدمی مزاج نیستند و تا آخر در صف دوستان مجید قرار دارند که با درایت و کار پر حوصله رفیق مجید توده های وسیعی در صف انقلاب در آن ایام قرار گرفت .

۳ - کاسبکاران و دروغگویان سیاسی که از محبوبیت رفیق مجید برای اهداف قومی زبانی و ملیتی خود استفاده می کنند تا وی را به یک قوم مشخص وابسته سازند مانند سالار عزیز پور این شورای نظاری و از جمله دزدان کابل بانک . هفت هشت سال قبل یکی از همین دوستداران قلبی مجید به نام انجنیر(اٹک) یکی از شکنجه گران خاد در سایت گفتمان بعد از یک سلسله تمجید ها و چاپلوسی های خادی گونه از دانش رفیق مجید و از شهامت رفیق مجید یاد آور شده بود که در سطر های بعدی چیزی را که در زیر شکنجه به دست نیاورده بود می خواست به پای مجید بزرگ ببندد که گویا مجید حاضر بود با بلند پایگان دولت دست نشانده و جنرالان روسی مذاکره کند . تا به صورت تلویحی بگوید که رفیق مجید تسلیم طلب و سازشکار بود .

دوست عزیز شما باید بین دوستان و دشمنان رفیق مجید مرز مشخص بکشید نه این که هر کی چیزی را افشاء کرد گویا عقده های شخصی دارد . من نه این شکنجه گر خاد انجنیر اٹک را به لحاظ شخصی می شناسم و نه سالار عزیز پور را اما با شم سیاسی ام می توانم حدس بزنم که آن ها کی هستند و باید با دشمنان طبقاتی چطور بر خورد داشته باشم . همین خواستن آقای عزیز پور به کابل و گماردن وی در کابل بانک برای شما هیچ چیزی را حل نمی کند فقط همان شعر که شاید هم برای مسعود سروده باشد و کاش برای مسعود باشد زیرا مجید هیولا نیست بلکه ناجی مردم بود . شما اخطار گونه نوشتید که من گویا عقده های شخصی ام را از طریق صفحه دیگران می خواهم حل کنم که به هیچ وجه درست نیست ولی دوست عزیز شما آزاد هستید که از صفحه من هرچه را که خواستید نقد کنید زیرا مطلبی را که اگر من نشر کنم آن را به نظر خواهی گذاشته ام تا بدانم دیگران در این باره چه می اندیشند تا به آگاهی های تازه ای دست یابم .

ضمناً نوشتید که : ((لغت « اکت » را در دکشنری حمید { عمید { دریافت کرد { کرده} نتوانستم تا مفهوم آنرا بدانم.)) دوست عزیز من هم خواستم مانند دیگران یک لغت خارجی استعمال کنم شما می توانید به عوض آن از لغت زیبا و خوب تمثیل که آنهم عربی است، کار بگیرید . گر چه امروز لغت « اکت » به خاطر فلم های هندی نامأنوس نیست و تقریباً همه از آن کار می گیرند هندی ها آن را با زیر اداء می کنند و در ملک ما با زیر . اکت و اکت و کلمات دیگری از این دست چون اکتور و غیره .

چنانچه شما به جای فرهنگ یا گیاهت الغات یا قاموس لفظ دکشنری را استعمال کردید من هم بدون ملاحظه اکت را استعمال کردم .

اما به راستی من دکشنری «حمید» را نفهمیدم که چه است حتماً منظور تان «عمید» است . بین «عمید» و «حمید» چه از جنبه طرز نگارش و چه از جنبه معنی تفاوت بسیار است . «حمید» به معنی ستوده و پسندیده و «عمید» به معنی بزرگ و سرور و سردار (لغت نامه فارسی به فارسی)

و اگر اجازه باشد گوشه ای از نامه سر گشاده سازمان آزادیبخش مردم افغانستان به کنفرانس کشور های غیر متعهد منعقدده دهلی که در سال ۱۹۸۲ قریب ۳۲ سال قبل از امروز دایر گردیده بود را باهم بخوانیم تا در مورد کلمه « اکت » چیزی بیاموزیم .

" سال گذشته روس ها در مقاطع مختلف ، از « اکت » های محیلانه سیاسی و دیپلوماتیک فرو گذار نکرده اند "

من هم اکت را به همین معنی استعمال کرده ام که سازمان آزادیبخش مردم افغانستان ۳۲ سال قبل استعمال کرده بود  
شاد و سلامت باشید با سپاس و درود

این نوشته آخر شان شهکار است و بی نظیر که به جوابم نوشتند و فوراً آن را با جمع نوشته های خود از فیسبوک دور کردند .

"محترم : الفاظ رکیک و زشت مطابق به تصورات و برداشت های خیالی در رابط {رابطه} دیگران راه مردانگی {نمودی از اعتقاد به زن سازی نویسنده} نیست و بلخصوص {بالخصوص} راه و رسم اشخاص (انقلابی {انقلابی} دواشته مثل شما) که تضادهای مهم طبقاتی رافدای یاره سرای {سرائی} های شخصی مینماید لازم نیست. شیونزم {شونیزم} چپ سرو و صدایی رادر دهه {دهه} چهل باشعارهای تنگنظرانه و تنها قلمی و باتیوری خشک و غافل از واقعتهای عینی جامعه بلند نمودند که یک بخش خود را شعله جاوید و دیگر بخش خلق و پرچم خود را {خود را-اضافی} نامیدند قسمیکه ثابت گردید خلق و پرچم با برپانمودن کودتاه {کودتای} منحوس هفت ثور که با اتکا {اتکاء} به تیوری رویوزینیستی {رویوزینیستی} روسی بودبه شکست مقتضحانه روبرو {رو به رو} شدند. وبقای {بقای} انقلابیون تیوریک {تیوریک-چون در اصل کلمه بای نسبت وجود دارد} مانند شماکه بابرخورد دگماتیستی که برداشت درست ازواقعت {واقعیت} ها و ضرورتهای جامعه را نداشتند درتصورات اشعار و تیوری های خوشک {خشک} و بیخبر {بی خبر} ازقیامهای مسلحانه {مسلحانه} توده های میلیونی {میلیونی} افغانستان در مقابل روس و نوکران بدبخت شان غرق و سردرگم شدند، واما اکنون بعضی ها ازکشور های خارج سربلندمینمایند و با گذاشتن فوتوهای رهبران گذشته {گذشته} کشور های خارج و با مکیدن قطره های خون شهیدان راه آزادی بخون {به خون} خفته {کشیده شده} در کلمه خفتن به مثابه فعل لازم، دست قاتل دیده نشده، اگر آگاهانه به کار برده شده باشد، می تواند به معنای کتمان قاتل و همدستی با وی به شمار بیاید {پیشانی ها را سرخ نموده و خود را مدافعین واقعی مردم آزاده جلوه میدهندکه این خودخیانت بزرگ برآرمان انقلابیون راه آزادی و دیموکراسی است. و مفادی جزآب ریختن به آسیاب دشمن مردم ستم دیده و جنگدیده {جنگدیده} افغانستان را {را-اضافی} ندارد."

دوست عزیز من دزد کابل بانک و از بلند پایگان شورای نظار سالار عزیز پور را همراه با شکنجه گر رفیق مجید انجنیر اٹک افشاء کردم. درد و خارشت تان به همین خاطر است که قاتلان و شکنجه گران سامائی ها نباید افشاء گردند؛ تا شما با پشت کردن به خون این قهرمانان و مردم زندگی طفیلی تان را در سایه شورای نظاری ها بدون دغدغه خاطر سپری کنید و مانند تمام بی ننگان در زیر درخت جای خوش کنید. " و این راه مردانگی نیست و همه الفاظ رکیک و زشت است". ولی ما را از راه شما که در زیر سایه درخت غنوده اید ننگ است و راه شما، راه تمام بی ننگان است که به نظر تمام مردم راه شما و اعمال تان زشت و قبیح است .  
چون نوشته را از صفحه بیرون کرده اند من هم به همین چند سطر مختصر بسنده می کنم.

**یادداشت:**

هر چند برخی از بحث های فیسبوکی سخت عقب مانده و عاری از محتوا بوده و درکل می تواند از جهات مختلف به کشف هویت عناصر انقلابی و افشای هویت آنها نزد امپریالیزم و ارتجاع منجر شده، ضربات جبران ناپذیری را در آینده متوجه افراد انقلابی نماید، باز هم از دوستانی که در آن سنگر نیز به پیکار دلیرانه شان ادامه داده و نمی خواهند

فرزندان میهن را در تیررس عناصر خاین به میهن و مردم آن تنها بگذارند، باید سپاسمند بود، که آقای «شاداب» را می توان یکی از هزاران رزمنده شجاع در این بستر دانست.

ما ضمن ابراز سپاس خدمت ایشان و انتقال بحث بالا در پورتال، که اینک آگاهانه به وسیله تنی چند از پشت کردگان به آرمانهای والای «مجید» به راه افتاده و می خواهند، نام وی را به نفع خود، یعنی به نفع ارتجاع و امپریالیزم مصادره نموده، شخصیت و اعتبار مبارزاتی زنده یاد «کلکانی» را در بازار مکاره رسیدن به جاه و جلال، معاوضه نمایند، دو نکته آتی را نیز متذکر می گردیم:

۱- تمام آنچه بین علامت { } به رنگ سرخ آمده است، از ویراستاران پورتال است. در صورتی که نویسنده آن، با اصلاحات پورتال موافق نباشد، می تواند نظرات خود را نوشته، بفرستد تا ویراستاران پورتال جهت اقناع و بالا بردن فهم ایشان از زبان «فارسی - دری» دلایل خود را بنگارند.

۲- توصیه دوستانه ای که به دارنده آن صفحه فیس بوک داریم، تلاش در قسمت آموختن بیشتر زبان و مراعات قواعد املائی و انشائی حین نوشتن، می باشد. به خصوص وقتی می خواهیم به ارتباط تاریخ و گذشته جنبش انقلابی و شخصیت های تراز اول آن چیزی بنگاریم، پیشنهاد ما آن است که اول متوجه سواد خویش باشیم، تا نکند کس و یا کسانی پیدا شده، بر مبنای بی سواد و یا عدم توجه ما به امر درست نویسی؛ در حق جانبازان دلیر مردم قضاوت نادرست نمایند.

اداره پورتال AA-AA